



۱۰ ماہ رویے

زندگی نامہ و خاطرات شہید

کاظم عاملو

تحقیق و نگارش: علی رضا کلامی
با همکاری گروه فرهنگی شہید ابراہیم ہادی

فهرست

صفحه	نام داستان	صفحه	نام داستان
۵۸	الگوی تمام عیار	۵	مقامات معنوی
۶۰	مسجد	۸	چه مبارک سفری بود و...
۶۲	بسیجی مخلص	۱۰	آشنایی
۶۵	بهترین برادر	۱۳	سه ماه رویایی
۶۸	دقت نظر	۱۶	هم‌کلامی با شهدا
۷۰	نظم	۱۸	مسیر تکامل
۷۱	خلوت مناجات	۲۰	کنترل از راه دور
۷۳	شهادت فرمانده	۲۲	مکاشفه
۷۶	عهدنامه	۲۴	اسراف
۷۸	خدمت	۲۶	وضوی عاشقان
۸۰	ازدواج	۲۸	وصیت شهید
۸۳	زندگی مشترک	۳۰	ملاقات با امام زمان (عج)
۸۵	دوست	۳۲	خلسه
۸۸	اعزاز آخر	۳۴	ماجرای یک اتاق
۹۰	وضوی آخر	۳۶	شجاعت
۹۳	پرواز	۳۷	پیشگویی
۹۶	تشییع	۳۹	مدعیان معنویت
۹۸	صبر	۴۱	امتحان
۱۰۰	نماز شب	۴۳	غرق در معنویت
۱۰۲	واسطه فیض	۴۵	روزهای تکرار نشدنی
۱۰۴	نوار شهید	۴۷	عبادات
۱۰۶	انگشتر	۴۹	شفایافته
۱۰۸	مدافع حرم	۵۲	رشد معنوی در عین فقر
۱۱۰	وصیت نامه	۵۴	نوجوانی
۱۱۳	ضمانت و تصاویر	۵۶	رضا غریب



مقامات معنوی

پای منبر یکی از علمای تهران بودم. ایشان در خلال صحبت‌هایش اشاره به زندگی یکی از بزرگان قدیم تهران داشت و گفت: عالم بزرگی در اطراف تهران زندگی می‌کرد که بیش از همه چیز به لقمه حلال اهمیت می‌داد. او خودش زمین کشاورزی داشت و روزی خانواده را با تلاش بی‌وقفه تأمین می‌کرد.

پسر ایشان وقتی در نوجوانی برای اولین بار به داخل شهر آمد، با صحنه عجیبی روبرو شد! او باطن تمام مردم را می‌دید. متوجه افکارشان می‌شد و می‌فهمید که چه نیتی دارند!

او با ترس و ناراحتی به نزد پدر برگشت و ماجرا را نقل کرد. پدر گفت: این‌ها که دیدی نتیجه لقمه حلال و تلاشی بود که برای تربیت تو در این سال‌ها داشتم...

بزرگان ما تأیید می‌کنند که این دو عامل، در رشد و تعالی انسان بسیار موثر بوده و می‌تواند انسان را به سرمنزل مقصود برساند.

اما کتابی که پیش روی شماست، ماجرای یکی از فرزندان سرزمین ماست که حکایتی اینگونه دارد. کسی که روزگار را در خانواده‌ای فقیر، اما غنی از لحاظ اعتقادات گذراند.

پدرش را تمام اهالی جهادیه سمنان، به تقوا و ایمان و کسب روزی حلال می‌شناختند.